بررسی ربا در بانکداری اسلامی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۴۶-۳۸

رضا سلطانی[۱]، مجید معصومی[۲]

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، گروه حقوق، سیرجان، ایران.
[۲] استادیار گروه علوم سیاسی،دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت ، بافت، ایران.

نویسنده مسئول:
رضا سلطانی

چکیده

پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، از میان عقود دوازده گانه اعطای تسهیلات به جهت این که بانک‌ها موضوع عقود مزارعه و مساقات (زمین زراعی و باغ) را نداشتند، به این دو عقد، اصلاً عمل نشد. عقد خرید دَیْن نیز به جهت وجود مشکلات فقهی از سال ۱۳۶۷ باز ایستاد؛ بنابراین، بانک‌ها افزون بر سرمایه‌گذاری مستقیم، از طریق هشت عقد فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، جعاله، سلف، اجاره به شرط تملیک و قرض‌الحسنه، به اعطای تسهیلات اقدام کردند. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا نشان می‌دهد که بدبختانه نظام بانکی، نه تنها به سمت رهایی از حقیقتِ بهره پیش نرفته، بلکه با اتخاذ برخی روش ها و راه کارها به سمت آن کشیده شده است و این حقیقت تلخ را می‌توان در مسائل آینده به روشنی مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، ربا، تسلیهات، سرمایه گذاری

۱. مقدمه

تحولات اخیر و خصوصاً سیر وقایع در ارتباط با فرایند اسلامی شدن بانک‌ها به وضوح نشانگر این است که مقابله و رویارویی نظام بانکداری سنتی و به اصطلاح ربوی و نظام بانکداری اسلامی در هیچ زمان و تا این حد به صورت حاد و جدی مطرح نبوده است (چقازردی، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

استقرار نظام بانکداری اسلامی فقط در حذف ربا و انجام معاملات بر اساس عقود موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست بلکه لازمهٔ استقرار کامل چنین نظامی با عواملی متعددی نظیر ایجاد امنیت (در ابعاد مختلف) عدالت معاوضی و توزیعی، صداقت، خلاقیت، نوآوری، اعتقاد و احترام و حمایت از حقوق دیگران، گسترش فرهنگ اسلامی در رفتارهای فردی و اجتماعی همراه است.

در کشور ما بانکداری بدون ربا گرچه به صورت فراگیر شروع به کار کرده و ادعا این است که امروزه شاهد بانکداری بدون ربا هستیم اما از آغاز با مشکلاتی روبرو بودیم که اگر تجزیه و تحلیل کنیم، علت وجود این مشکلات این بود که ما آموزش بانکداری بدون ربا را نه در سطح عمومی و نه در سطح تخصصی به خوبی ارائه نکرده ایم و نیروهای فعال در سیستم بانکی و در بنگاههای اقتصادی، با واقعیت بانکداری بدون ربا آشنایی ندارند.

با توجه به اینکه در مدیریت بر بانک‌ها از ظرفیت علمی و عملی لازم برای طراحی و اجرای بانکداری بدون ربا استفاده نشد عملاً شکافی بین ادعا و واقعیت در بانکداری بدون ربا به وجود آمده است. نمی‌گویم چیزی از بانکداری بدون ربا نداریم این حرف گزاف است ولی فاصله بین این دو زیاد است.

از موانع اجرایی بانکداری بدون رباین است که ما در چند جا شاهد عدم تحقق بانکداری بدون ربا هستیم، از جمله آنکه در جذب منابع از مردم عنصری وارد شده که این عنصر بانکداری بدون ربا را تحت تأثیر خود قرار داده است. آن عنصر وعده سود علی‌الحساب است. این وعده سود علی‌الحساب، فارغ از عوامل مؤثر در تشکیل سود پیش‌بینی شده است و عملاً موجب شده آنچه به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود، مبلغی تحت عنوان سود علی‌الحساب باشد که نرخ آن از قبل تعیین می‌شود. سپرده‌گذاران نیز انتظاری بیش از آن ندارند. بانک‌ها نیز چیزی بیشتر از آن را به سپرده‌گذاران پرداخت نمی‌کنند. مواردی بوده که بانک‌ها بعد از حسابداری نهایی عملیات سود و زیانشان درصدی بیشتر را به سپرده‌گذاران پرداخت کرده‌اند ولی این مسأله به صورت یک جریان غالب در نیامده است.

۲. شواهد به کارگیری حیل ربوی در بانکداری بدون ربا

۱.۲. مفهوم حیل ربوی

بی شک، یکی از مهم‌ترین و اساسی ترین اصول و مبانی حاکم بر نظام بانکداری اسلامی، تحریم ربا و یا بهره است. گواه این مدعا تصریح آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سورهٔ مبارکه بقره است که به صراحت، ربا و فعالیت‌های پیرامون آن را در مقام جنگ با خدا و رسولش می‌داند. آن چنان که از آیات و روایات بر می‌آید، ربا و بهره در نظام مالی و پولی اسلام به شدت نهی شده است و در خصوص آن، تعابیری برای تهدید و تحذیر مومنان به کار رفته است که در کمتر گناهی تا این حد سخت گیری شده و بر آن وعده عذاب شدید داده شده است. بنابراین، مهم‌ترین و زیربنایی ترین اقدام در خصوص عملیات بانکی حذف ربا از این سیستم است.

امروزه با توجه به الزام بانک‌ها بر اجرای «قانون بانکداری بدون ربا» بسیاری از فعالیت‌های ربوی بانک‌ها از مسیر به کارگیری حیل ربا محقق می‌شود.

به طوری که برای فرار از حکم حرمت ربا، با حفظ غرض از آن، سعی می‌شود کاری انجام شود که موضوعاً از عنوان «ربا» خارج بوده و این عنوان بر آن صادق نباشد. پس حیلهٔ ربا را می‌توان این گونه تعریف کرد «حیله ربا، عملی است که به منظور تغییر حکم ربا، با حفظ غرض از آن، از راه تغییر عنوانی که بر آن منطبق است، انجام می‌شود». حیل ربا را از این جهت حیله می‌گویند که در آن، حقیقت قرض ربوی در شکل دیگری به غیر از قرض اعمال می‌شود؛ یعنی در ازای دادن سرمایه، التزام به پرداخت اصل سرمایه همراه با زیاده در شکل ظاهری دیگری به غیر از قرض از شخص متقاضی گرفته می‌شود. بدین طریق، دقیقاً همان کارکرد و حقیقت ربا در شکل دیگری اتفاق می افتد.

۲.۲. اقسام حیله های ربا

الف) حیل عقد صوری

عقد صوری حیله ای است که در آن، از اسم عقود اسلامی سوء استفاده، می‌شود و به همین جهت سوء استفاده از اسم عقود اسلامی به دو گونه است:

۱. معامله صوری دسته اول

اینکه عقد شرعی ای که قرار است به واسطهٔ آن، عملکرد غیر ربوی باشد اصلاً مورد قصد قرار نگیرد و قصد، همان گرفتن یا دادن پول در ازای تحویل آن همراه با زیاده باشد(با این فرض که نحوهٔ انعقاد این عقد به گونه ای است که عرفاً تفاوتی بین آن و قرض ربوی نباشد و ما این عدم تفاوت را از جهت صدق حقیقت قرض ربوی اشکال می کنیم). در این صورت، حتی در منظر کسانی که حیلهٔ ربا را جایز می‌دانند نیز این معامله ممنوع است؛ چرا که حقیقتاً رباست.

۲. معامله صوری دسته دوم

اینکه عقد شرعی مورد قصد قرار گیرد؛ اما به آن دسته از لوازم و احکامی که ممیز ربا از عقد شرعی هستند، در مقام انشای عقد و یا در مقام عمل، پایبندی وجود نداشته باشد. در این فرض، این قرارداد به شکل صوری و بدون التزام به احکام ممیز قرارداد از ربا بسته شده و عدم رعایت احکام آن ما را دچار ربا می‌کند.

اگر در مقام انشای عقد مفروض طرفین قرارداد (چه به صورت مصرح و چه به صورت ارتکازی) این باشد که این احکام رعایت نشوند، حقیقت این معامله با توجه به عملکرد آن قرض ربوی خواهد بود و حتی از منظر کسانی که حیل ربا را جایز می‌دانند نیز این معامله ربا و باطل است. معنای این مطلب این است که در حقیقت، این شخص قصد آن عقد شرعی را نکرده است؛ بلکه قصد قرض به شرط زیاده را کرده است و آنچه که به زبان آورده یا از ذهن گذرانده حقیقت عملکردی را که قصد حقیقی او بدان متوجه است تغییر نمی‌دهد.

ب) حیله تغییر عنوان

اینکه عنوان معامله‌ای را که حقیقت آن قرض ربوی است تغییر دهند؛ مثل فروش نسیه اسکناس که حقیقت آن قرض ربوی است، ولی عنوان فروش را روی آن گذاشته شود که عرف آن را نمی‌پذیرد. فرق این حیله با دسته دوم از حیل این است که در اینجا، با فرض پای بندی به قرارداد، معامله ربوی است.

ج) حیله عقود ترکیبی

معامله متشکل از دو یا چند عقد به هم پیوسته باشد (یعنی ایجاب و قبول چند عقد هم زمان بسته شود) یا اینکه یک عقد به شرط انجام شدن عقد دیگر صورت گیرد(یعنی انعقاد عقد دوم در ضمن عقد اول شرط شود)؛ به گونه ای که حتی با فرض پای بندی به عقود موجود در این معامله، عرف عملاً بین این معامله و قرض ربوی تفاوتی نمی بیند و حقیقت قرض ربوی را در معامله مشاهده می‌کند.

امام خمینی حیله ربا را در ربای قرضی، مطلقاً، باطل می‌داند. بر این اساس، چنانچه هر کدام از حیل فوق تحقق یابد، مطابق با نظر امام خمینی باطل است.

۳. ربا و حیل آن‌ها در بانک‌ها

مشتریان بانک با توجه به مناسباتی که این نهاد برای معاملات خود ایجاد کرده است، می‌دانند که در ازای گرفتن تسهیلات باید پس از گذشت سررسید بدهی، اصل بدهی همراه با مبلغ خاصی را بپردازند. با صرف نظر از اینکه چنین معامله‌ای حیله رباست، بودن قرار ثابت برای مشتریان باعث شده است تا مشتریان اصلاً به نوع معامله‌ای که بانک با عنوان آن معامله قصد تصحیح دارد توجهی نکنند و آن را قصد ننمایند. در واقع، آنچه مورد قصد آنان است همان قرض است که باید با اضافه‌ای، آن را پرداخت کنند.

یکی از احکام مضاربه تعیین سهم هر یک از مالک و عامل از سود به صورت کسر مشاع می‌باشد؛ برای عامل پس، تعیین آن به صورت غیر مشاع صحیح نیست. پس، اگر بانک بدون توجه به میزان سود نهایی تحت هر عنوانی مطالبهٔ مبلغی را بنماید، معلوم می‌شود که قصد مضاربه حقیقی نداشته و برای فرار از ربا از این عنوان استفاده کرده است که باطل است.

در مضاربه اگر سودی حاصل نشد، همان طور که عامل حق دریافت اجرت المثل برای کارش را ندارد، مالک نیز حق گرفتن مالی به عنوان سود را نخواهد داشت و اگر در ضمن مضاربه شرط شده باشد که عامل تا سقف مبلغ خاصی به عنوان مصالحه بپردازد، آنچه مورد مصالحه قرار می‌گیرد سود است (در جایی که سود حاصل شده باشد). و مصالحه، در فرض عدم حصول سود، بی‌معناست. پس، در مضاربهٔ بانک، اگر عامل پس از مضاربه سودی حاصل نکرد، بانک نمی‌تواند او را به پرداخت مبلغ خاصی مجبور کند.

در جعاله نیز بانک هیچ مسئولیتی از جهت قبول عمل در جعاله را متحمل نشده و هیچ ریسکی را قبول نکرده و با توجه به حقیقت عملکرد که در آن بانک وجهی را می پردازد و دریافت آن به همراه یک اضافه‌ای را در زمان دیگری خواستار می‌شود، این صورت نیز حیله برای فرار از ربا بوده و باطل است.

حیله در مشارکت به این شکل است که بانک، به جای اینکه قرض ربوی دهد، تحت عنوان مشارکت، مقداری سرمایه در اختیار متقاضی قرار می‌دهد تا متقاضی به عنوان عامل، آن را در یک فعالیت اقتصادی سودآور به جریان درآورد؛ اما به حکم شراکت، که مشارکت در سود و زیان

است، عمل نمی‌کند و شرط می‌کند که عامل، در هر صورت، مقداری ثابت به صورت علی‌الحساب و غیره به او بپردازد و عامل حق فسخ هم نداشته باشد.

اینکه عملکرد بانک در معاملهٔ فروش اقساطی حیلهٔ رباست، واضح است؛ چرا که بانک، با ترکیب چند عقد، حقیقت قرض ربوی را در فرایند اعطای تسهیلات و دریافت آن پس از مدت زمان مشخص محفوظ داشته است و بانک هیچ کاری جز اعطای پول و گرفتن معادل آن به همراه زیاده پس از مدت زمان خاصی انجام نمی‌دهد و در منظر فقهایی مانند امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، که حیل ربا را جایز نمی شمارند، این معامله باطل است (محقق، ۱۳۹۰، ص۶۷).

در تمام عملیات اعطای تسهیلات (صرف نظر از اینکه اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی از مصادیق بارز معاملات ربوی در غرب تلقی می‌شوند)، فقط ظاهر قضیه حفظ شده و ماهیت هیچ یک از عقود با آنچه که در کسب و کار، تولید و تجارت وجود دارد، منطبق نیست.

علاوه بر آن، حتی شکل کار به گونه ای است که هردو طرف (بانک و مشتری) کاملاً از صوری بودن آن‌ها آگاه است (روزنامه اقتصاد ایران،۱۳۷۹، ص ۲۶).

۴. از شبهات پدید آمده در عملکرد بانکداری بدون ربا

به رغم همهٔ پیشرفت هایی که در نظام بانکی صورت پذیرفته، بعضاً برخی از تصمیم گیری و عملکردها در این نظام مشاهده می‌شود که با کمترین ابزار، از توجیه منطقی و علمی و مذهبی برخوردار است. اگر رفتار یا عملکردی از سوی نظام بانکی نتواند پاسخ محکمی بر شبهات ذهنی افراد مذهبی بدهند، یقیناً دیوار بلند بی اعتمادی بین مشتریان و بانک‌ها ایجاد خواهد شد که ترمیم آن بسیار مشکل و زمان بر است.

افرادی که پایبند به اصول اخلاقی، عمده‌ترین تفاوت بانکداری اسلامی و غیر اسلامی را در ربوی بودن آن می‌دانند و عملیات بانکی نظام خود را بر اساس شاخص بانکداری بدون ربا، آسوده خاطر انجام داده، به آن افتخار می‌کنند و در نتیجه وجوه خود را نزد بانک مورد پذیرش خود می‌سپارند.

در شرایط کنونی یکی از موضوعاتی که ذهن سرمایه‌گذاران معتقد و متشرع را به خود مشغول ساخته، مشخص نبودن بازده نهایی سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی است.

سپرده‌گذاران بابت وجوه سپرده خود، سود علی‌الحساب دریافت می‌نمایند. بدین دلیل (چرا سود علی‌الحساب) در سال های اخیر شکیاتی در ذهن آنان ایجاد شده، لیکن عدم پاسخ منطقی و علمی کارشناسان بانکی و عدم تبیین توضیحات دقیق از موضوع، سبب تردید بر شرعی بودن برخی، از عملکرد بانک‌ها شده است. یقیناً بی پاسخ ماندن این شبهات منجر به ایجاد فاصله بین سرمایه‌گذار با بانک می‌شود.

عمده‌ترین دلایل شبهات پدید آمده، که سبب ایجاد فاصله افراد مذهبی با نظام بانکی شده را می‌توان این گونه برشمرد.

- پرداخت سود علی‌الحساب ماهیانه به سپرده‌گذاران.
- نقش نداشتن سپرده‌گذاران در زیان عملیاتی.
- وجوه برخی ابهامات در تعدادی از عقود اسلامی و نبود پاسخ منطقی به شکیات آنان.
- مهیا ننمودن سازکاری در مشارکت سپرده‌گذاران در سرمایه‌گذاری.
- معین نشدن قدرالسهم سود طرف دوم (بانک) در این معامله.
- تقسیم نشدن ریسک در سرمایه‌گذاری بین طرفین.
- عدم مشارکت در زیان احتمالی توسط سپرده‌گذاران (کوثری، ۱۳۹۰، ص ۵۷).

برای جایگزینی فعالیت‌های مشروع به جای فعالیت‌های ممنوع بانکی تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا قرارداد مضاربه و عقد شرکت به جای ربا استفاده شود. سپس به دلیل مشکلاتی که بانک‌های اسلامی در پیاده کردن مضاربه و شرکت، با آن مواجه شده اند، به سوی خرید و فروش و اجاره روی آورده‌اند که از جمله آن‌ها فروش مرابحه‌ای، تأمین سرمایهٔ اجاره ای و اجاره به شرط تملیک است.

آن‌چه موجب تفاوت بانک‌های اسلامی با دیگر بانک‌هاست، التزام آن‌ها به دستورات دین است؛ پس اگر بانک‌های اسلامی از التزام به این دستورات آزاد شوند، چگونه می‌توان آن‌ها را اسلامی نامید؟

بانک‌های اسلامی در آغاز تأسیس، بر اساس جایگزینی مضاربه به جای قرض برپا شدند؛ بر این اساس که سرمایه دار پول خود را به مضاربه می‌دهد، ولی با بروز مشکلات مضاربه، روش مشارکت به معاملات مبتنی بر بدهی تغییر یافت و به صورت بیع نسیه و اجاره تبدیل شد، ولی با این تغییر مشکلات فتوایی بروز کرد. اگر بانک‌های اسلامی مثلاً، به فروش نسیه بپردازند، باید از نظر شرعی فروشنده واقعی باشند، یا اینکه مشتری را با انجام بیعی مستقیماً تأمین مالی کنند، اگر چنین کردند، هیچ شبههٔ شرعی وجود نخواهد داشت، اما اگر بانک اقدام به معاملات نسیه صوری کرد و در واقع، فقط تأمین مالی کرد، این نوع کار به کار بانکی رایج و مفهوم واسطه گری بانکی یا مالی متعارف نزدیک‌تر است

تا مفهوم بانکداری اسلامی، و شبهات شرعی را پدید می آورد؛ زیرا در آن، تأمین مالی متفاوت از بیع است (مصباحی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۳۳۷).

۵. راه حل پیشنهادی صاحب نظران برای کاستن از ابهامات و مشکلات بانکداری

مشکلات ذکر شده و نقاط ضعف پیش از آنکه به اصل و اساس قانون عملیات بانکی بدون ربا که بنا بر تأیید و اذعان عموم صاحب نظران امور اقتصادی و بانکی یکی از جامع ترین قوانین کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است برگردد، به فقدان تمهیدات، ساز و کار و بسترهای مناسب که لازمهٔ اجرای بهینهٔ هر قانونی است، بر می‌گردد (خاوری، ۱۳۸۲، ص ۶۸).

تجربهٔ اجرای بانکداری اسلامی در برخی کشورها نشان دهندهٔ نقش مؤثر شورای تخصص فقهی در ارتقای سطح مشروعیت عملکرد این بانک‌های می باشند.

شکل و شیوه این نظارت در کشورها گوناگون است. برخی از کشورها فقط خود را به داشتن نظام یا قانونی که احکام آن مطابق با قانون شرعی اسلامی‌باشد، ملزم می‌دانند. برخی دیگر مانند بانک فیصل مصر در مرحله قانون و اجرا خود را به داشتن هیئت نظارت شرعی مستلزم می‌کنند.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مهم‌ترین منبع مالی برای بانک‌ها هستند. اینگونه سپرده‌ها بیشتر شبیه به سهام شرکت‌ها هستند تا به سپرده‌های معمولی مدت‌دار و پس‌انداز بانک دولتی پاکستان یک مکانیزم جامع و قوی برای مطابقت با شریعت ارائه نموده است تا اعتماد مشتریان و سرمایه‌گذاران به صنعت بانکداری اسلامی را جلب کند. این مکانیزم سه رکن اصلی دارد. یک هیأت شریعت در بانک دولتی پاکستان سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها همچنین معیارهای مناسب برای مشاورین را تعیین و تأیید می‌کند، مشاورین شریعت در تمام بانک‌ها آن‌ها را (بانک‌ها را) هدایت می‌کنند و آسایش خاطر مشتریان در مورد خدمات مالی اسلامی را تأمین می‌کنند.

بانک‌ها باید مطمئن شوند که حساب سپرده‌های بانکداری اسلامی از حساب خود متمایز بوده و آمارهای معاملات و دارایی‌ها، تعهدات، هزینه ها و درآمد باجه ها و بخش های بانکداری اسلامی و میزان موجودی و ذخیره نقدی آن‌ها به طور شفاف اعلام شود.

در مالزی مقررات اسلامی و قوانین بانکداری اسلامی به طور مجزا در کنار مقررات بانکداری ربوی حاکم هستند.

نکته قابل توجه در بررسی منابع و مصارف طرح بانکداری اسلامی مالزی این است که بانک در استفاده از منابع مالی جهت اعطاء تسهیلات متنوع به متقاضیان دارای اختیار بیشتری است.

بانک می‌تواند به صلاحدید خود کلیه وجوه حاصل از عقود ودیعه (جاری و پس‌انداز) را مورد استفاده قرار دهد و تنها ملزم به تطابق تأمین مالی با اصول شریعت می‌باشد.

ابزارهای قابل انتقال سپرده‌ها امکان استفاده بانک‌های تجاری و شرکت‌های مالی واجد شرایط را از پس‌اندازهای داخلی عموم مردم فراهم می‌سازد. این ابزارها توسط شورای مشورتی شریعت و بانک مرکزی مالزی مورد تأیید و حمایت قرار گرفته اند (تقی زاده، ۱۳۹۱، ص۵۵).

تقریباً همهٔ بانک‌های اسلامی، هیئت‌های شریعت یا مشاوران شریعت مخصوص به خود دارند. رسیدگی و نظارت شریعت بر عملکرد نهادهای مالی به منظور تضمین اینکه آنچه در واقعیت انجام می‌گیرد مطابق با مقتضیات شریعت است بسیار مهم می‌باشد. این امر تنها به لحاظ دینی اهمیت ندارد، بلکه به لحاظ ملاحظات صرف تجاری نیز حائز اهیمت است؛ زیرا مشتریان بانک‌های اسلامی به شرعی بودن این عملکرد اطمینان ندارند، مگر اینکه فقها این فعالیت‌ها را تأیید نمایند (منور، اقبال، ۱۳۸۷، ص۸۱).

به گفتهٔ دکتر توتونچیان بانک‌های کشورمان (به دلیل عدم نظارت و کنترل) تا حد امکان، از اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا سربازده و ربوی عمل کرده‌اند. روشن نیست که مسئول نظارت در اجرای این قانون، چه نهادی است.

۶. نظریهٔ تفاوت ربا و بهره بانکی

پس از گذشت چند دهه استقرار نظام بانکداری بدون ربا، هنوز بر سر تعریف بهره و ربا منازعه و اختلاف عقیده وجود دارد. در قانون عملیات بدون ربا، بنیادی ترین عنصر- ربا- تعریف نشده و همین موضوع دستیابی به اهداف نظام بانکداری ایران را با مشکل مواجه ساخته است.

اصرار بر یکسان دانستن بهره و ربا و به کارگیری کلمهٔ سود به جای بهره، علاوه بر آن که بازار عملیات صوری را رونق بخشید (بانک به ظاهر شریک می‌شود، بانک به ظاهر می خرد، بانک به ظاهر می فروشد) و به کاغذ بازی در فعالیت بانکی دامن زده، بانک‌ها و بنگاه های اقتصادی را از برخی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد اعتبار- مانند اضافه برداشت، اعتبار در حساب جاری و نظایر آن – علاوه بر اجتناب از ابداعات نوین بانکداری بین المللی بی بهره ساخته است.

سود یا بهره از نظر تئوری بازده اقتصادی محسوب می‌شوند و هردو شامل تورم و هزینهٔ فرصت می‌شوند و تنها تفاوت آن‌ها این است که در سود، عامل ریسک می‌تواند نقش داشته باشد، در حالی که در بهره عامل ریسک می‌تواند وجود نداشته باشد. در نظام بانکداری بدون ربا،

عامل ریسک در بازدهی هیچ نقشی ندارد، و لذا پرداختی بانک‌ها به سپرده‌گذاران و دریافتی آن‌ها از دریافت کنندگان تسهیلات بانکی، به تعریف بهره ببیشتر نزدیک است تا به تعریف سود؛ اما بهره و ربا هیچ نوع مقاربتی با هم ندارند، زیرا اصولاً ربا را نمی‌توان نوعی بازده اقتصادی تلقی کرد (مجلهٔ اقتصاد ایران، ۱۳۷۹، ص۲۵).

طرفداران بانکداری بدون بهره در پی یکسان انگاشتن بهره و ربا درصدد برآمدند بانکداری مبتنی بر مشارکت را که در آن بازدهی سرمایه نامعین است (سود)، جایگزین نظام مبتنی بر بهره که گویا بازدهی آن ثابت و معین است(ربا)، نمایند. اما اگر توجه کنیم که سپرده‌گذاری مبتنی بر بهره اساساً فعالیتی است که مضمون آن در حقیقت مشارکت در سود و زیان است، به این نتیجه می رسیم که کوشش برای بانکداری بدون ربا یا بانکداری مبتنی بر مشارکت از یک سوء تفاهم معرفت شناختی دربارهٔ چگونگی عملکرد نظام اقتصادی بازار ناشی شده است. در واقع تفاوتی که میان سپرده‌گذاری با بهره و مشارکت در سود (سرمایه‌گذاری) وجود دارد، در درجات ریسک است و نه در وجود و فقدان آن. سپرده‌گذار چون از خطر کردن زیاد اکراه دارد نمی خواهد رأساً سرمایه‌گذاری یا مشارکت کند و با دریافت بهره اسمی معینی که ارزش واقعی آن به هیچ وجه از پیش معلوم نیست میزان نوسانات میان سود یا زیان خود را، نسبت به وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم(مشارکت) کاهش می‌دهد، بنابراین میان ربا و بهره تفاوت ماهوی وجود دارد و آن‌ها را نمی‌توان یکسان دانست و حکم واحدی برای آن‌ها صادر کرد (غنی نژاد، ۱۳۷۶، ص۳۲۰).

۷. شواهدگرایش نظام بانکی به حقیقت ربا (بهره)

مطابق قانونِ عملیات بانکداری بدون ربا، بانک‌ها یا مالک سپرده‌ها هستند (در سپرده‌های دیداری و پس‌انداز) یا وکیل سپرده‌گذاران (سپرده‌های سرمایه‌گذاری)، و هرچه به صورت سود از طریق اعطای تسهیلات، به دست می آورند، پس از کنار گذاشتن سهم خود (در جایگاه مالک یا به صورت حق‌الوکاله)، بقیه را به صاحبان سپرده سرمایه‌گذاری می پردازند؛ پس اگر سود دریافتی بانک‌ها از طریق اعطای تسهیلات، مشروع و از ربا خالی باشد، سهم بانک و سپرده‌گذاران نیز مشروع و خالی از ربا خواهد بود و اگر آن سودها ربوی باشد همان طور که سهم بانک، ربوی می‌شود سود اعطایی به سپرده‌گذاران نیز ربوی خواهد بود و در حقیقت، بانک به جای وکالت در دادن و گرفتن سود، در دادن و گرفتن ربا وکیل می‌شود.

گروه اول، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه) هستند. در این عقود، مطابق قانون، نسبت های تقسیم سود در قرارداد، تعیین، و نرخ سود انتظاری، پس از کارشناسی مشخص می‌شود؛ اما نرخ سود قطعی بعد از انجام فعالیت اقتصادی و مشخص شدن سود واقعی به دست می‌آید.

گروه دوم، عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) است. سود آن‌ها هنگام معامله به صورت قطعی معین می‌شود.

گروه سوم، عقود با بازده متغیر (سلف و جعاله) است که در آن‌ها، سود قطعی بانک، پس از پایان دوره مالی و براساس قیمت‌های پایان دوره و هزینه‌های تمام شده تعیین می‌شود.

گروه چهارم، عقد قرض‌الحسنه که ماهیت خیرخواهانه داشته، بانک در برابر کاری که انجام می‌دهد، کارمزد می‌گیرد و سودی بابت خود پول قرض داده شده دریافت نمی‌کند.

گروه پنجم، سرمایه‌گذاری مستقیم است. در این روش، بانک بخشی از منابع را به طور مستقیم، سرمایه‌گذاری، و به فعالیت اقتصادی اقدام می‌کند. سود بانک دراین روش، همانند عقود مشارکتی به سود واقعی فعالیت، بستگی دارد.

آشنایان با مسائل نظری بانکداری اسلامی می‌دانند که این روش ها همگی از جهت فقهی مورد قبول بوده، جایزند؛ اما از میان آن‌ها فقط عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه با اهداف بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی تناسب کامل داشته، با حکمت تحریم ربا منطبق و از حقیقت ربا و بهره در بازار سرمایه دور است و عقودی چون فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، گرچه در بازار کالاها و خدمات، جایگاه منطقی و قابل دفاعی دارند، در بازار پول و سرمایه در عمل، دارای ماهیتی شبیه وام و اعتبار ربوی هستند؛ در نتیجه، هر چه سهم عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه بیش تر باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک تر می شویم و برعکس، هر چه سهم آن‌ها کم تر شود، به حقیقت ربا و بهره نزدیک تر می شویم.

مطالعه عملکرد نظام بانکی، نشان می‌دهد با گذشت زمان، جهت گیری بانک‌ها به طور عمده به سمت به کارگیری عقود با بازده ثابت است. در حالی که درصد مانده تسهیلات اعطایی به روش عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه)، مرتب کاهش یافته و از سهم عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) رشد مداوم داشته و از این میان، فروش اقساطی که در حقیقت ضعیف ترین نوع عقود بانکی در تحقق اهداف اقتصاد اسلامی است، از همه بیش تر رشد کرده؛ به طوری که از سال ۷۶ به بعد، به تنهایی بیش از نصف مانده تسهیلات اعطایی را شامل می‌شود (شریف مقدس، ۱۳۸۶، ص۳۰۴).

به عنوان مثال در عقد سلف اکثریت قریب به اتفاق شعب بانک‌ها، امکانات لازم جهت تحویل گرفتن کالای مورد سلف را دارا نمی باشند؛ لذا در پایان مدت قرارداد، از تحویل گرفتن کالا خودداری نموده و بعضاً نسبت به وکیل یا امین نمودن مشتری جهت فروش کالا اقدام می نمایند و بقیه که اکثریت را شامل می‌شوند، نسبت به اعطای وکالت یا امین نمودن مشتری اقدام ننموده و صرفاً به دریافت اصل پول پرداختی به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک در معاملات سلف اکتفا می نمایند. همچنین شُعبی که مشتری را به عنوان وکیل یا امین انتخاب نموده اند، بر کار فروش کالا هیچ گونه نظارتی به عمل نمی آورند و مشتری، وجه حاصل از فروش را به تمام و کمال به بانک پرداخت نمی نماید و صرفاً به پرداخت اصل پول دریافتی از بانک به اضافه حداقل سود مورد انتظار بانک اکتفا می نماید و این امر، معاملات سلف را به معاملات ربوی نزدیک می‌کندو جالب این که مقام های اجرایی، خود به این حقیقت معترفند؛ به طوری که مدیر عامل یکی از بانک‌های مهم می گوید

بانک‌ها می‌توانند در عقد سلف، مبادرت به انجام معامله نموده و به هنگام آماده بودن کالا با توجه به قیمت روز بازار، اقدام به فروش نمایند؛ ولی معمولاً به فروشنده وکالت داده می‌شود که خود، بعد از سررسید تحویل، کالا را به فروش رساند که این امر به طور صحیح انجام نمی‌گیرد و فروشنده وجهی را که بابت بها به بانک می‌دهد، وجه دریافتی به اضافه حداقل سود در بخش مربوط است؛ گو این که ممکن است بیش تر از آن به فروش رفته باشد.

در عقد جعاله بانک‌ها تحت عنوان جعاله، وجه نقدی را می پردازند؛ سپس مبلغ اولیه را به اضافه سود مقرر در اقساط، از مشتری دریافت می‌کنند.

در عقود مشارکتی (مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی)، بانک، متناسب با سرمایه ای که می پردازد، در مالکیت فعالیت اقتصادی شریک می‌شود؛ در نتیجه، پیامد آن اعم از سود و زیان متوجه بانک نیز خواهد بود؛ بنابراین، لازم است نه تنها در آغاز کار، فعالیت مذکور را جهت سوددهی مطالعه و بررسی کند، بلکه در ادامه نیز باید برآن نظارت و کنترل شود(شفیعی مازندرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲).

در عمل، بانک‌ها بدون توجه به نتایج واقعی معامله، حداقل سود پیش‌بینی شده را مطالبه می‌کنند و مشتریان نیز می پردازند.

۸. نتیجه گیری

در مشارکت مدنی، بانک‌ها عموما ملاحظه قانونی مربوط به پیش‌بینی سود را ندیده می گیرند و از همان ابتدا، نرخ‌های مربوط به پیش‌بینی حداقل سود را بدون توجه به واقعیت و میزان سود محقق، تعیین و محاسبه و از مشتری مطالبه می نمایند؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد از میان عقود مشارکتی، فقط مشارکت حقوقی ماهیت واقعی را حفظ کرده است و بقیه در عمل، به عقود با بازده ثابت تبدیل شده اند. بنابراین تحول حقیقی و اساسی در بانکداری بدون ربا، در سه شیوه از اعطای تسهیلات رخ داده است و آن سه عبارتند از قرض‌الحسنه، مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم، و مطالعه عملکرد این سه نشان می‌دهد چیزی در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد از منابع از این طریق به کار رفته است که می‌تواند در جهت تحقق اهداف بانکداری اسلامی‌باشد ولی سهم آن‌ها به تدریج کاهش یافته و به نصف رسیده است؛ اما بقیه تسهیلات که از طریق عقود دیگر اعطا می‌شود، فقط تغییر صوری و حداکثر تغییر فقهی یافته است به این معنا که حداکثر فرقشان با عملیات اعتباری بانکداری ربوی در حلال و حرام بودن آن‌ها است و به همین لحاظ، حتی برخی از طراحان بانکداری بدون ربا معتقدند نحوه عملکرد بانک‌ها در اعطای تسهیلات از محل سپرده‌ها، موجب می‌شود که نظام بانکی از قالب اصلی خود خارج و گرایش عمده آن به جانب تسهیلاتی باشد که از نظر ماهیت و نوع عملیات با نظام بانکی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان سازگار نیست.

منابع:

۱. چقازردی، محمد، وجوه افتراق نظام بانکداری بدون ربا با نظام بانکداری ربوی، پایان‌نامه، ۱۳۷۷.
۲. محقق، محمدجواد، درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی، مقاله، معرفت اقتصادی، شماره دوم، ۱۳۹۰.
۳. کوثری، شهریار، آسیب شناسی نظام بانکی کشور، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.
۴. مصباحی مقدم، غلامرضا، موانع اجرایی بانکداری بدون ربا، پایگاه خبری فارس، ۱۳۹۱/۶/۲۶.
۵. خاوری، محمودرضا، حقوق‌بانکی، نشر مؤسسه بانکداری ایران، ۱۳۸۲، چاپ چهارم.
۶. تقی‌زاده، خدیجه، بانکداری‌اسلامی در برخی از کشورهای جهان، مجله‌اقتصادی، ۱۳۹۱، شماره ۶ و ۷، شهریور و مهر.
۷. منور، اقبال، چالش های پیش روی بانکداری، ترجمه مسلم بمان پور، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۷، چاپ اول
۸. غنی‌نژاد، موسی، تفاوت ربا و بهره بانکی، نشریه فلسفه، کلام و عرفان، ۱۳۷۶، شماره ۱۲، پاییز.
۹. شریف مقدس، علیرضا، شفاف سازی مفهوم ربا، بهره، سود در نظام بانکداری اسلامی، نشریه علوم انسانی، ۱۳۸۶، شماره ۷، پاییز.
۱۰. شفیعی‌مازندرانی، محمد، وام در ربا در نگرش‌اسلامی، مشهد بنیاد پژوهش‌های‌اسلامی، ۱۳۷۸.